

این مشفحات دو ساله سر بر ولی یگکم ویم کتاب است...



سرشناسه: پیشون، لیز Pichon, Liz
عنوان و نام پدیدآور: بهترین کلاس/ نویسنده و تصویرگر لیز پیشون؛ مترجم بهرنگ رجبی؛ ویراستار
نسرین نوش امینی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۳۹ص: مصور.
فروست: نام گیتس: ۹.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۲-۴ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
پادداشت: عنوان اصلی: 2015 Top of the class.
موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۱م.
Childrens stories, English -- 21st century
شناسه افزوده: پیشون، لیز؛ تصویرگر
شناسه افزوده: Pichon, Liz
شناسه افزوده: رجبی، بهرنگ، ۱۳۶۰ - مترجم
شناسه افزوده: امینی، نسرین‌نوش، ۱۳۶۰ - ویراستار
رده‌بندی کنگره: PZV/پ۸۸۳/۹۱۳۹۶
رده‌بندی دیوپی: [ج]۸۲۳/۸۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۴۲۷۱

تام گیتس/۹ بهترین کلاس

نویسنده و تصویرگر: لیز پیشون
مترجم: بهرنگ رجبی
ویراستار: نسرین نوش امینی
مدیر هنری: فرشاد رستمی
تایپوگرافی: فاطمه محمدعلیپور
طراح گرافیک: مریم عبدی
ناظر چاپ: مرتضی فخری
چاپ نهم: ۱۳۹۶
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۹-۳
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۲-۴
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

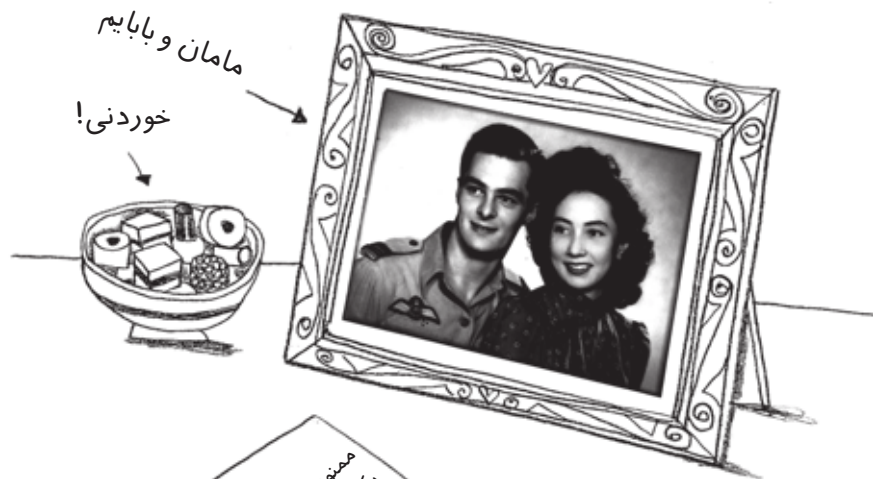


آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی،
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
www.hoopa.ir
info@hoopa.ir



TOM GATES #9:
TOP OF THE CLASS (Nearly)
Text & Illustrations © Liz Pichon, 2015

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون
بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار
ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از
ناشر آن (Scholastic) خریداری کرده است.
مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق
حرفه‌ای نشر است.



ممنون مامان و بابا که
برایم درست کردید،
خاطراتی که حکم
می کنند این کتاب ها را
بنویسم و طراحی کنم.
بیز عشق



انتخابات شورای مدرسه



دلستان می خواهد عضو شورای مدرسه شوید؟

خب، الان وقتش است!

به من رأی بدین!



شورای مدرسه کلی تصمیم های مهم می گیرد درباره ی اینکه چه کارهایی باید در مدرسه ی اُکفیلد بشود.

یک پوستر طراحی کنید که برای هم کلاسی هایتان توضیح بدهد چرا باید به

شما

رأی بدهند!

همگی موفق باشید.

شمارش معکوس از همین الان شروع می شود.



الآن

لحظه‌ی خیلی مهمی است توی زندگی من.

توی انتخابات شورای مدرسه بهم رأی داده‌اند و قرار است جلوی

بچه‌های مدرسه سخنرانی کنم. **امی** دارد

دست می‌زند و همه دارند **هورا می‌کشند**.

هورا!



دارم برای سخنرانی آماده می‌شوم.

هورا هورا می‌کشند، جز **مارکوس** ملدرو که همین طوری



نشسته آنجا و قیافه‌اش حسابی **اخمو** است.

گلویم را صاف می‌کنم، پا می‌شوم و حواسم هست با مارکوس

چشم تو چشم نشوم. شروع می‌شود... **نشسته**

سلام به همه. اول اینکه می‌خوام به **وینتون حسابی** به شماهایی بگم که رأی دادین به من.



(مارکوس دارد جوری سر جایش وول می‌خورد و جوری

حسابی دستپاچه و ناراحت است که حدس می‌زنم به من رأی نداده.)

من به عنوان یکی از اعضای **جریج** شورای مدرسه‌ی شما قول می‌دم **توایت** تا **توایت** رو برای **وینتون** بکنم.



بعد پوستر **به من رأی دهید** م را بالا می‌گیرم.

که وینتون چیزهایی که توی این فهرست نوشته شده، واقعا اتفاق بیفتن!



(هورای بیشتر... ولی مارکوس هورا نمی‌کشد، پکر است که



عضو شورای مدرسه نشده.)

کم کم دارم سخنرانی ام را تمام می‌کنم که آقای فولرمین

حرف‌هایم را قطع می‌کند. «تام! ببخشین می‌پریم وسط حرفت، ولی من یه

خبر خوب دیگه‌ای هم دارم که می‌خوام برای کلاس بگم.»

«یه خبر خوب دیگه آقا؟! اصلاً چطور همچین چیزی

ممکنه؟» معلوم است دارم شوخی می‌کنم دیگه. می‌توانم توی ذهنم به

کلی چیزهای دیگه فکر کنم که خبر خوبند، مثلاً:

روزهای خیلی کمتری بیایم مدرسه. **فیر فوب!**

سنگهای آدمشوار دارد تبدیل به خفن‌ترین گروه موسیقی کل دنیا

می‌شود. (اگر **۳ تا با مال** را بگذاریم کنار.)

فیر فوب!

یک حیوان خانگی برای خودم بیاورم.

فیر فوب!

می‌توانم همین‌طور ادامه بدهم، ولی آقای فولرمین منتظر است... «نه فقط

تو انتخابات شورای مدرسه بهت رأی دادن، بلکه تو امتحان هفته‌ی پیش هم

بالاترین نمره‌ی عمرت رو گرفتی. برای همین هم تبریک بهت تام و خیلی هم

آفرین!»



باز هم هورا و تشویق!

به
قلم‌گیش
رأی بدهید

اگر به من رأی بدهید
این کارها را برایتان می‌کنم.

دوشنبه می‌شود **روز نوش‌گذرانی**.
(نه روزی که همه ازش وحشت داشته باشند.)

سه‌شنبه **روز انتقاد شهاست**.
(هر لباسی دوست دارید توی مدرسه بپوشید.)

چهارشنبه یعنی **روز قلم**.
(طراحی کردن و نقاشی کشیدن توی همه‌ی کلاس‌ها
برای گرفتن نمرات بالاتر.)

از این به بعد **پنجشنبه** **روز پیشام** است.
(روز آوردن حیوان خانگی‌تان به مدرسه.)

جمعه می‌شود **روز ناهار**.
(مثلاً سر ناهار دسر بیشتر یا تکه‌های گنده‌تری از غذا
بهتان می‌دهند.)



نورمن و درک یه فکری داشتن. که با یه گروه موسیقی خیلی ویژه تماس بگیریم. اگه **این نامه** الان دست منه، به لطف فکر اون هاست.»
نامه را در می آورم و می گیرمش بالا تا بچه ها بتوانند ببینندش.

«**پنونهش؟**»

همه داد می زنند: «**آره!**»

(جز مارکوس که دست به سینه نشسته.)



هی! باحال های مدرسه ی اکفیلدا! شنیدیم شما تو مدرسه تون کنسرت های معرکه ای برگزار می کنین!



نامه را می گیرم پایین و می گویم: «معلومه هیچ وقت سر هیچ کدوم از کنسرت های مدرسه مون نبوده.» همه می زنند زیر



«**فتره!**» (خب، همه نه!)



نامه ی باحالتون رو دریافت کردیم و تصمیم گرفتیم بیایم تو کنسرتتون بزنیم و گروه بی نظیر **سکال آدمنار** هم همراهی مون کنن. پس همدیگه رو می بینیم باحال کوچولوها!



«**پنونه!** اینکه محشره آقا. انتظارش رو نداشتم!» (خب من آدمی نیستم که توی امتحان ها بهترین نمره را بگیرم، ولی ای ن دفعه واقعاً خیلی زحمت کشیدم و برای همین هم خیلی خوشحالم **نمره ی بالا** گرفته ام.)
همان طور که منتظرم بچه ها دست زدنشان را قطع کنند، یک چیز دیگر هم یادم می آید که دلم می خواهد بگویم.

«قبل اینکه حرف هام رو تموم کنم، می خوام از **ای پورتر** تشکر کنم که قلم بخت خودش



رو قرض داد بهم.»

«**باز هم دست زدن!**»

ای پورتر و جوری شانه بالا می اندازد که یعنی کاری نبوده که. قیافه ی مارکوس حالا حتی پکرتر هم شده. (هنوز هم محلش نمی گذارم.)



«**شورون** واتسون و **درک** فینگل، جفتتون **پالشین!**»
درک پا می شود و نورمن همان طور که دارد تعظیم



می کند و به همه لبخند می زند، می پرد هوا.

«**حالا**» که عضو شورای مدرسه ام، کمک می کنم برای



برگزاری کنسرت امسال مدرسه،

نقاشی دهی لی شش ساله که از هوادارهای تام گیتس است.
دمی لی یک هیولا کشیده.



نکاتی درباره‌ی پرنده‌ها

(بفهمی نفهمی جالب)

اینجا چندتا پرنده می بینید؟

(جواب در صفحه‌ی ۲۲۸)

سریع‌ترین پرنده کدام است؟

شاهین تیزتر یا سرعت

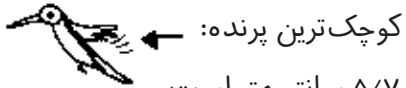
۳۲۰ کیلومتر بر ساعت پرواز می کند.

بزرگ‌ترین

تخم بین پرنده‌ها:



۵ شترمرغ



کوچک‌ترین پرنده:

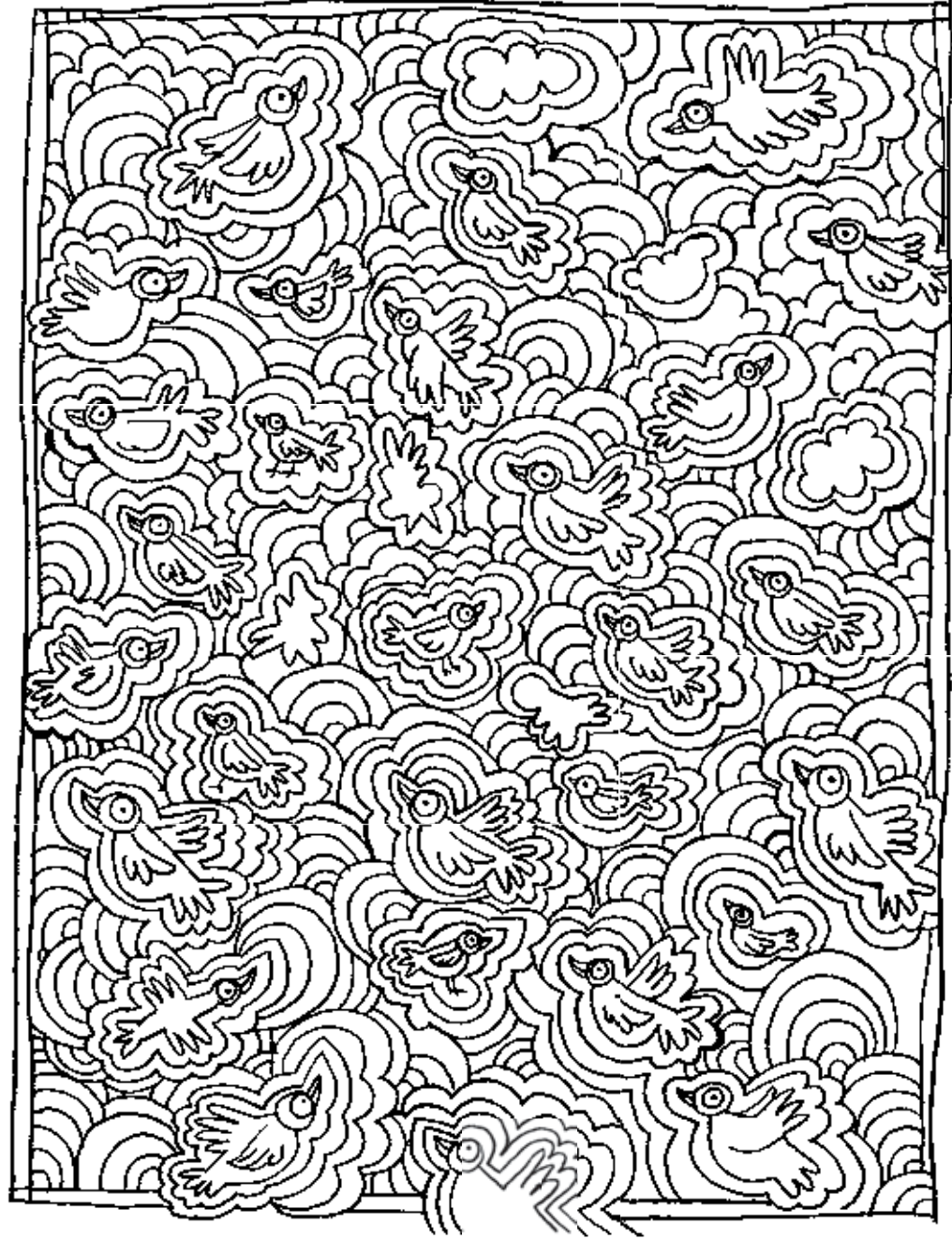
مرغ مگس خوار که $5/7$ سانتی متر است.



وووف!

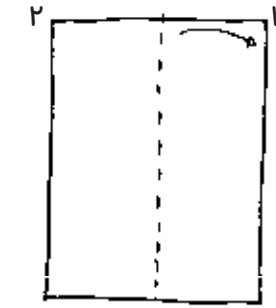
عجیب‌ترین قیافه بین پرنده‌ها:

خروس تاجدار



پاپور هواپیمای کاغذی بسازید:

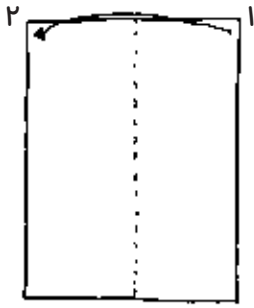
اگر بلد بودم چطور هواپیمای کاغذی بسازم، می توانستم این شکلی برای درک پیغام بفرستم ...



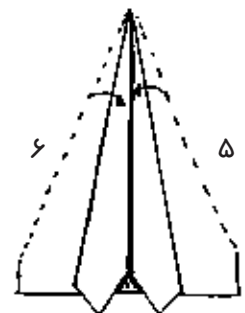
بعد تا را باز کنید و می بینید یک خط قشنگ روی کاغذ افتاده



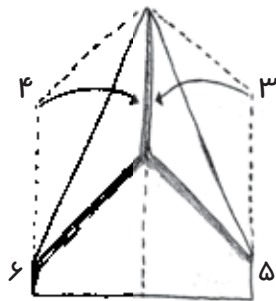
از وسط تا کنیدش



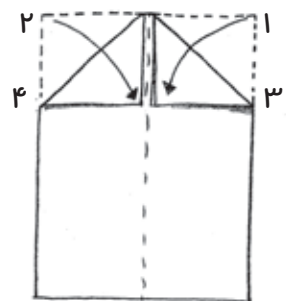
یک کاغذ A4 بردارید



بعد لبه های 5 و 6 را به طرف وسط کاغذ تا کنید تا کاغذتان شبیه تیروکمان بشود.



حالا نقطه های 3 و 4 را به طرف وسط کاغذ تا کنید. بعد کاغذ را صاف کنید.



گوشه های 1 و 2 را به طرف وسط کاغذ تا کنید.

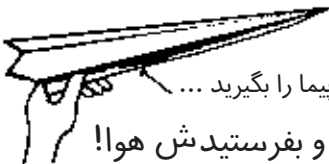
یک شیار اینجا هست



از بغل این شکلی است

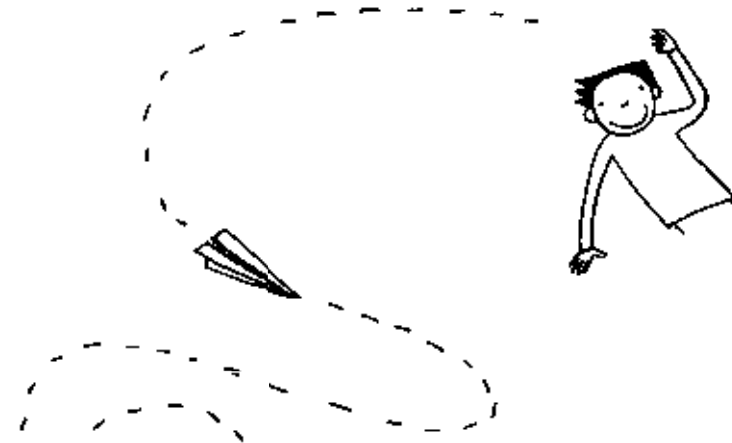


تیرتان را بردارید و از وسط تا کنید ...



... زیر هواپیما را بگیرید ...

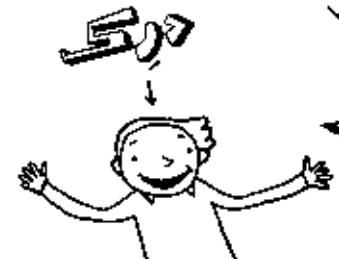
... و بفرستیدش هوا!



سروکارم هم به

بچه های فضولی مثل

باستر بوتر نمی افتاد.





باقی ماجراهای تام گیتس را هم بخوانید:

چندتا پرنده تونستید ببینید؟ بیست وهشت تا!



به زودی



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کِرم استفاده می‌کند، چرا که نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود. و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر